توانمندی و توسعهٔ پایدار در برنامهٔ سوم و چهارم توسعهٔ ایران با رویکرد آمارتیاسن

فرشاد مؤمنی*، مینو امینی میلانی**

مقدمه: *این تحقیق در پی بررسی وضعیت توسعهٔ پایدار در برنامه‌های توسعهٔ ایران با تأکید بر مفهوم توانمندی و کیفیت زندگی «سن» می‌باشد و همچنین برای دو برنامهٔ سوم و چهارم توسعه مقدار آن محاسبه شده و اختلاف آن تا سطح مطلوب تعیین می‌گردد و سپس به شناسایی عوامل مؤثر بر توسعهٔ پایدار در شرایط فعلی کشور پرداخته می‌شود.*

روش: *این مقاله دو مرحله دارد و دو روش در آن به کار گرفته شده است: در مرحلهٔ اول مرور روایتی برنامه‌های توسعهٔ ایران و تحلیل محتوا، و در مرحلهٔ دوم فرضیهٔ آزمایی براساس شاخص پایداری سن و تحلیل نتایج استخراج شده انجام می‌شود.*

یافته‌ها: *توسعهٔ پایدار با تأکید بر حفظ منافع همهٔ نسل‌ها با سه محور اساسی توسعهٔ انسانی، مادی و طبیعی در دیدگاه سن با تأکید بر مفهوم توانمندی و آزادی‌های اساسی تبیین می‌شود.*

براساس این دیدگاه می‌توان گفت که در برنامهٔ سوم وچهارم توسعه پس از انقلاب مفاهیم ارتقاء امنیت انسانی، و توانمند سازی در برنامه مورد توجه قرار گرفت و برخی شاخص‌های پایداری مانند حفظ محیط زیست و ایجاد فرصت‌های برابر در متن برنامه وارد شد اما در سطح سیاست گذاری مطرح نگردیده است.

نتایج: *وضعیت توسعهٔ پایدار در برنامهٔ سوم توسعه نامطلوب بوده وشاخص پایداری منفی می‌باشد، اما این روند به تدریج اصلاح شده و در طول برنامه مقدار منفی شاخص رو به کاهش گذاشته و سال پایانی این برنامه مقدار شاخص مثبت شده است. این روند در برنامهٔ چهارم توسعه نیز ادامه یافته به طوری که در سال ۸۴ بیش‌ترین مقدار را نشان می‌دهد. اما مجددا در سال‌های بعد(سال‌های ۸۵و۸۶) این شاخص کاهش می‌یابد.*

بحث: *در شرایط فعلی کشور ما، عامل اقتصادی ـ اجتماعی مؤثرترین عامل برای گام نهادن در مسیر توسعهٔ پایدار است و متغیرهای مرتبط با آن بایستی تقویت شوند وبعد از رسیدن به یک سطح قابل قبول از توسعه، عوامل فرهنگی واجتماعی اهمیت بیش‌تری یافته و ارتقاء آن بایستی محور برنامه‌ها قرار گیرد. تحقق این امر مستلزم وجود نگرش معطوف به توسعهٔ پایدار در میان دست اندرکاران برنامه‌های توسعه می‌باشد.*

کلید واژه‌ها: آزادی‌های اساسی، برنامهٔ توسعه، توانمندی، توسعهٔ پایدار، شاخص پایداری سن، کیفیت زندگی.

تاریخ دریافت: ۸۹/۲/۱۵ ***تاریخ پذیرش:*** ۹۰/۵/۱۸

* دکتر اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبایی < Farshad.momeni@gmail.com >

** دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه پیام‌نور

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

مقدمه

توسعهٔ پایدار با تأکید بر حفظ منافع نسل‌های آینده و پایداری وضعیت در دورهٔ عمر بشر با سه محور اساسی توسعهٔ انسانی، مادی و طبیعی محور و هدف برنامه‌های توسعه در کشورهای جهان امروز قرار گرفته و شاخص‌های توسعهٔ پایدار با برگرفتن از اندیشه‌های اندیشمندان مشخص گردیده‌اند. یکی از صاحب نظران و اندیشمندان در این رابطه آمارتیاسن (Amartya sen) اقتصاددان هندی الاصل و برندهٔ جایزهٔ نوبل اقتصاد در سال ۱۹۹۸ است که آزادی و توانمندی حاصل از آن برای داشتن زندگی خوب را معیار توسعه قرار می‌دهد. با توجه به این که در متن سند برنامه‌های سوم و چهارم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی ایران موضوع توسعهٔ پایدار و برخی شاخص‌های آن مطرح شد، یکی از چالش‌های اصلی که اجرای این اهداف با آن روبه رو بوده است، فقدان دیدگاه مناسب می‌باشد، لذا این دیدگاه مبنای بررسی حاضر قرار گرفته و هدف از نگارش این مقاله بررسی میزان تحقق اهداف برنامه‌های توسعهٔ ایران در زمینهٔ ایجاد توانمندی‌ها و زندگی مطلوب در راستای توسعهٔ پایدار با رویکرد آمارتیاسن می‌باشد. این رویکرد توسعه را به معنای آزادی می‌داند و مبنای توسعه را توانمندی‌ها و قابلیت‌های حاصل شده از گسترش آزادی‌های اساسی قرار می‌دهد. سئوال اساسی تحقیق این است که آیا آزادی‌ها و توانمندی‌های مورد نظر «سن» در این دو برنامه تحقق یافته است؟ این آزادی‌ها جنبه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، حمایتی و ارتباطی دارند وتأمین این آزادی‌ها توان مردم را هم در خود یاری و هم در تأثیر بر جهان افزایش می‌بخشد و این توانمندی‌هاست که در فرآیند توسعه نقش مرکزی دارد(سن، ۱۳۰: ۱۳۸۵) و فرآیند توسعه به مفهوم گسترش توانمندی انسان در هدایت زندگی ارزشمندتر وآزادتر می‌باشد (سن، ۴۳۹: ۱۳۸۵). دولت وجامعه نقش‌هایی گسترده در تقویت وحراست از توانمندی‌های انسان دارند و نگرش آزادی محور در اهداف و ابزار توسعه تأثیر مستقیم در تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه و تحقق اهداف آن‌ها دارد. برخورداری از آزادی‌های اساسی که جنبه‌های

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

مختلفی دارند از همبستگی‌های درونی فراوانی برخوردارند که می‌توانند جهت گیری‌های متفاوت داشته باشند و فرآیند توسعه تحت تأثیر شدید این همبستگی‌ها قرار می‌گیرند. لذا ضرورت دارد که مجموعه‌ای از سازمان‌ها و نهادها ایجاد و تقویت شوند. سازوکارهای قانونی، ساختارهای مربوط به بازار، امکانات آموزشی و بهداشت و درمان، تسهیلات ارتباط جمعی و مشارکت مردم از این جمله‌اند که می‌توانند در قالب بخش‌های دولتی، خصوصی و تعاونی برنامه‌ریزی شوند و برنامه‌های توسعه را تشکیل دهند.

در این مقاله در ارزیابی برنامه‌های توسعهٔ کشور، معیارهایی که از دیدگاه سن می‌توانند شاخص‌هایی برای توسعهٔ پایدار باشند مطرح گردیده و متغیرهای مربوطه با توجه به ویژگی‌های کشور و جایگاه آن درسطح منطقه و جهان تعیین شده‌اند. به این منظور از «شاخص پایداری سن» جهت تعیین وضعیت موجود وفاصلهٔ آن تا سطح مطلوب و یا قابل قبول استفاده شده است. همچنین با توجه به وجود همبستگی احتمالی میان متغیرها و تأثیر آن در برآورد نتایج با استفاده از روش‌های آماری تأثیر این همبستگی‌ها کاهش یافته و عواملی که تأثیرگذاری بیش‌تری در میزان پایداری توسعه دارا هستند شناسایی گردیده‌اند. به این ترتیب در این بررسی مشخص می‌گردد که در متن و عملکرد برنامه‌های توسعهٔ کشور و به طور خاص در برنامهٔ سوم و نیمهٔ برنامهٔ چهارم (دوره ۸ ساله ۸۶- ۱۳۷۹) آزادی‌های اساسی مورد نظر سن که در قالب توانمندی‌ها و قابلیت‌ها تبلور می‌یابند و به توسعه مفهوم می‌بخشند تا چه میزان تحقق یافته است و بعد از اجرای برنامه‌های توسعه در این دوره، افراد جامعه تا چه حد توانایی ساختن یک زندگی با کیفیت بالا و مطلوب را برای خویش کسب کرده اند؟ و دیگر این که تا چه حد میزان این سطح توانایی برای نسل‌های آینده نیز تداوم می‌یابد تا توسعهٔ پایدار را محقق سازد. شناخت عوامل تأثیر گذارتر مسیر توسعه را روشن‌تر نموده و سرعت لازم را برای آن فراهم می‌نماید.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

مروری بر مطالعات انجام شده

جهت سنجش توسعهٔ پایدار چند شاخص مطرح شده‌اند، یکی از آن‌ها شاخص رفاه اقتصادی پایدار (ISEW) بود که در سال ۱۹۸۴توسط دایلی(Daly) و کاب(Cobb) برای توضیح تغییرات رفاه اقتصادی پایدار در طول زمان ارائه شد. این شاخص عوامل زیست محیطی را لحاظ کرد و به مفهوم عدالت اجتماعی نظر داشت. اما آن دسته از تولیدات که بر اثر فعالیت‌های سیستم اقتصادی تخریب شده نیاز به ترمیم دارند را در بر نمی‌گیرد. شاخص دیگر شاخص توسعهٔ انسانی پایدار (SHDI) است که در سال ۲۰۰۴ توسط کاستانتینی(Costantiny) و مانی(Monni) مطرح شد. این شاخص بر اساس رویکرد قابلیت‌ها و آزادی‌های سن و در چارچوب مسائل زیست محیطی مطرح شد که دارای ۴ نماگر اصلی است که۳تا از آن‌ها مربوط به توسعهٔ انسانی است و نماگر چهارم مربوط به عوامل محیطی است و خود شامل سه نماگر آلودگی هوا، خاک و آب می‌باشد. مشکل اصلی این شاخص، عدم دسترسی به اطلاعات مربوط به نماگرهای زیست محیطی است که در اکثر کشورها در دسترس نیست.

و بالأخره شاخص پایداری سن ($S_{sd}I$) که در سال ۲۰۰۶ توسط آلبا دیستاسو Alba (Distaso)مطرح شد و شاخص ترکیبی است که بر اساس دیدگاه سن و برای اندازه‌گیری کیفیت زندگی که در سطح وسیع آن توسعهٔ پایدار است ساخته شده است. متغیرها دارای سه بعد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی هستند و با توجه به شرایط متفاوت کشورها انتخاب می‌شوند. مقادیر این شاخص رده‌بندی کشورها را از نظر سطح توسعهٔ پایدار نشان می‌دهد. و برای یک کشور سطح توسعهٔ پایدار را در سال‌های مختلف نشان می‌دهد. این شاخص با توجه به دارا بودن هر سه بعد توسعهٔ پایدار و در نظرگرفتن شرایط متفاوت کشورها در تحقیق حاضر به کار گرفته شده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

مروری بر متون توسعهٔ پایدار و دیدگاه آمارتیاسن

توسعهٔ پایدار[1] در روند تکاملی توسعه با مفهوم فراگیر آن در سه محور اصلی اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی مطرح گردید و در اجلاس‌های سازمان ملل متحد[2] مبنای برنامه‌ریزی توسعه در سطح جهان قرار گرفت(UNDP, 1997) این مفهوم با تأثیرپذیری از دیدگاه‌هایی همچون نظریهٔ عدالت جان راولز(John Rawls) و نظریهٔ توسعه به مثابهٔ آزادی[3] آمارتیاسن ابعاد گسترده‌تری یافته و مسیر آن روشن‌تر گردید. دراین دیدگاه‌ها علاوه بر درآمد سایر امکانات عام همچون حقوق، آزادی، فرصت‌ها و احترام فردی نیز مورد توجه قرار گرفته است.

توجه به وضع واقعی زندگی مردم در اقتصاد موضوعی جدید است. در اقتصاد مدرن تلاش‌های فراوانی برای در نظر گرفتن مستقیم «سطح زندگی» و عوامل تشکیل دهندهٔ آن به عمل آمده است. در واقع از هنگامی که پیگو(Pigou) ارضای نیازهای اساسی[4] را به عنوان یک حداقل پیشنهاد کرد این تلاش‌ها ادامه دارد به طوری که از سال ۱۹۹۰ به بعد به رهبری محبوب الحق (Mahbub alHag) اقتصاددان بزرگ پاکستانی برنامهٔ توسعهٔ سازمان ملل متحد هر ساله گزارشی تحت عنوان توسعهٔ انسانی[5] منتشر کرده و به‌طور مرتب وضعیت واقعی و جاری مردم و به ویژه محرومان را روشن‌تر بیان می‌کند. (UNDP, 1990) با تأکید بر حفظ محیط زیست به عنوان حق طبیعی انسان نسل امروز و نسل آینده از داشتن محیط زیست سالم در اجلاس چهل و دوم سازمان ملل در گزارش کمیسیون برانت لند (Brundt Land) به عنوان توسعهٔ پایدار رسمیت جهانی یافت. در این کمیسیون وظایف دولت‌ها و سیاست گذاران در خصوص ارتباط مسائل محیط زیست و توسعه در ۵ محور کلیدی توسعهٔ انسانی، یعنی جمعیت، امنیت غذایی، انرژی، صنعت و شهرنشینی بیان شده است. طبق تعریف کمیسیون برانت لند، «توسعهٔ پایدار آن است که نیازهای نسل کنونی را

1- sustainable development 2- UNDP 3- development as freedom
4- basic needs 5- human development

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

برآورده کند بدون آن که توانایی نسل‌های آینده را در تأمین نیازهایشان به مخاطره انـدازد» (برانت لند، ۱۹۸۷). کهن در این رابطه به بیانیهٔ «حق توسعه یافتگی» اشاره مـی‌کنـد کـه در میثاق بین المللی حقوق اقتصادی واجتماعی و فرهنگی انتشار یافت ودسترسی به کالاهـای اساسی را مورد بحث قرار داد(کهن، ۱۳۷۶: ۴). در اجلاس‌های دیگر سـازمان ملـل متحـد مسئلهٔ کیفیت زندگی(UNDP, 2003) و نقش دولت و نهادها در رابطـه بـا آن مطـرح شـد (UNDP,2006). این مطالب همگی نشان‌گر توجه جهان امروز بـه بهبـود کیفیـت زنـدگی انسان در توسعهٔ پایدار است. این نگرش حتی در آثـار اندیـشمندان گذشـته همچـون آدام اسمیت (Adam smith) پدر علم اقتصاد نیز به نـوعی مـشاهده مـی‌شـود. در تحلیـل‌هـای اسمیت تأمین حداقلی از آزادی ضرورت دارد و آن را در قالب توان پیوستن به جمع بدون خجالت و یا مشارکت در زندگی اجتماعی بیان می‌کنـد و ضـروریات را تنهاکالاهـایی کـه برای ادامهٔ حیات لازم است نمی‌داند بلکه آن می‌داند که یک زنـدگی محترمانـهٔ حـداقل را حتی برای پایین‌ترین گروه‌هـای مـردم فـراهم سـازد(smith,1776). جـان اسـتوارت میـل (john stwart mill) نیز آزادی را لازمهٔ توانمندی انسان و پیشرفت جامعه می‌داند و معتقـد است در جامعه‌ای که افراد آن از آزادی بی‌بهره‌اند شخصیت و ابتکار از میـان مـی‌رود و در نتیجه جامعه از پیشرفت باز می‌ایستد (میل، ۱۳۶۳). البته طـی یـک دورهٔ زمـانی کـه روش اختیارگرایی[1] حاکمیت داشت وجود روابط آزاد اقتصادی بدون اعمال محـدودیت موجـب افزایش کارآیی و رشد اقتصادی در پاره‌ای از کشورها گردید اما عامل رشد اقتصادی بـرای دستیابی به حداقل شرایط برای میلیون‌ها نفر مردم کشورهای جهان سوم و رفـع فقـر آنـان موفق نبود زیرا به علت استفادهٔ نامحـدود از حـق مالکیـت خـصوصی منجـر بـه اخـتلاف طبقاتی و ازدیاد فقر گردیده و عدالت اجتماعی را به خطر انداخته بـود. از ایـن رو نظریـهٔ عدالت خواه مطلوبیت‌گرایی[2] مطرح شد. این نظریه نیز که بیش از یک قرن نظریهٔ اخلاقـی غالب و با نفوذترین تئوری دارای حقانیت بوده است (سـن، ۱۳۸۵: ۱۷۲) نهایتـاً بـه علـت

1- libertarianism 2- utilitarianism

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

عدم توجه به مواردی چون توزیع مطلوبیت‌ها، حقوق و آزادی‌های فردی و عدم امکان سنجش کمی مطلوبیت، روش مناسبی برای سنجش عدالت قرار نگرفت. از این رو بخش اعظم توجه صاحب نظران توسعه به سوی استراتژی تأمین نیازهای اولیهٔ اجتماعی و اقتصادی جلب شد و اقتصاد دانان توسعه در نیمهٔ دوم دههٔ ۱۹۷۰ دیدگاه «نیازهای اساسی» را برای توسعه مورد توجه و تأکید قرار دادند و جان راولز در کتاب «نظریهٔ عدالت»[1] خود با مطرح ساختن کالاهای اولیهٔ اساسی[2] تصویر جامع‌تری از منابع مورد نیاز مردم ارائه کرد. فراهم شدن این کالاها امکان بهره‌مندی افراد از فرصت‌ها و توانمندی‌های خود جهت نیل به سطحی رضایت بخش و جامع از زندگی فراهم می‌سازد. این کالاها شامل غذا، آب، بهداشت، آموزشی، مسکن و نیازهای غیر فیزیکی مانند دسترسی به کار، مشارکت در تصمیم‌گیری، آزادی و مبانی اجتماعی فردی می‌باشد (Rawls , 2000) از دیدگاه راولز بیشینه کردن مطلوبیت که متعلق به محروم‌ترین گروه‌های اجتماعی است منجر به ایجاد برابری و انصاف شده و به برقراری عدالت می‌انجامد(راولز، ۱۳۸۵) بعد از مطرح شدن کالاهای اساسی، آمارتیاسن که از اندیشه‌های جان راولز نیز تأثیر گرفته بود وجود کالاهای اولیه را کافی ندانسته و وجود فضایی که آزادی انتخاب را فراهم ساخته و امکان استفاده از کالاهای اولیه را به وجود می‌آورد مطرح نمود. وی معتقد است که با گسترش آزادی‌های اساسی توانمندی استفاده از کالاهای اولیه وتبدیل آن‌ها به زندگی خوب و مطلوب ایجاد شده و در نتیجه فرآیند توسعه تکامل یافته و به توسعهٔ پایدار می‌انجامد(sen, 1999) به تعبیر سن ایجاد فرصت‌های برابرجهت تأمین کالاهای اولیه به معنای فراهم ساختن آزادی‌های اساسی می‌باشد که افراد با برخورداری از آن‌ها به قابلیت‌ها و توانمندی‌هایی دست می‌یابند که قادر به ساختن یک زندگی خوب و دلخواه می‌گردند (chiappearo, 2000) آمارتیاسن ۵ نوع آزادی اساسی را مطرح می‌کند که عبارتند از:

۱- فراهم شدن آزادی سیاسی

1- theory of justice 2- primary goods

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

۲- به وجود آمدن تسهیلات اقتصادی
۳- دستیابی به فرصت‌های اجتماعی
۴- ضمانت شفافیت رفتاری
۵- ایجاد پوشش‌های ایمنی و تأمینی

روند توسعه باید به گونه‌ای باشد که به انسان‌ها برای دستیابی گسترده به موارد بالا کمک کند. برخوداری از حقوق مدنی و مشارکت در تصمیم‌گیری برای افراد جامعه، فرصت و اجازهٔ بهره برداری از منابع اقتصادی و سهم بری عادلانهٔ همگان از آن‌ها، دسترسی همگان به امکانات آموزشی و بهداشتی وخدمات دیگر، حق دانستن و آگاهی از جریان‌های مختلف و حق برخورداری از امکانات شبکهٔ تأمین اجتماعی برای همهٔ افراد جامعه به صورت عادلانه، همگی آزادی‌های اساسی مورد نظر سن هستند که هر کدام به تنهایی می‌توانند برگسترش توانمندی انسان‌ها تأثیر مثبت داشته باشند اما زمانی که این محورها در کنار یکدیگر تقویت شوند امکان تحقق توسعهٔ پایدار وجود دارد چرا که توسعهٔ پایدار سه محور اساسی توسعهٔ انسانی، مادی و طبیعی را در بر می‌گیرد که با هم در تعامل‌اند. حفاظت از سرمایه‌های طبیعی و حفظ توازن میان بهره‌برداری از آن‌ها و محیط زیست و نیز توزیع عادلانهٔ آن‌ها میان نسل‌های مختلف از الزامات یک توسعهٔ پایدار هستند (خلعتبری، ۱۳۷۹) اما بدون ایجاد یک توسعهٔ انسانی پایدار، پایداری محیط زیست به وجود نخواهد آمد و همچنین پایداری محیط زیست نیازمند یک اقتصاد با ثبات و نظام اجتماعی است که در برابر شوک‌ها مقاومت کند و امکانات رفاهی را برای نسل‌های آینده تضمین نماید، با این توصیف هر محدودیت و مانعی در برابر توسعهٔ انسانی مانند بیکاری، بیماری، بیسوادی، و نابرابری به مثابهٔ محرومیت، و ناآزادی‌هایی است که از توانمندی انسان جهت ساختن یک زندگی با کیفیت خوب می‌کاهد و در سطح جامعه موجبات توسعه نیافتگی را فراهم می‌سازد. همچنین عواملی مانند تورم، انحصارگرایی، فقر و آلودگی محیط زیست نشان‌گر عدم بهره‌برداری صحیح از منابع طبیعی و اقتصادی و

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

محرومیت قشر وسیعی از آحاد جامعه از منافع حاصله می‌باشد که حاکی از فقدان فرصت‌های برابر و وجود ناآزادی‌های استفاده همگان از امکانات موجود است که به نابرابری‌ها دامن زده و سبب توسعه نیافتگی می‌شود. در توسعهٔ پایدار بایستی به بعد زمانی و عمق پایداری توجه لازم مبذول گردد این امر را می‌توان در قالب چهار زمینه در نظر گرفت:

۱- پایداری رفاه اقتصادی نسل‌های مختلف

۲- پایداری وضعیت در دورهٔ عمر بشر

۳- پایداری و دوام جریان تولید و مجموعهٔ اقتصادی

۴- پایداری جامعهٔ انسانی(خلعتبری، ۱۳۷۹)

از آن جا که توسعهٔ انسانی محور اساسی توسعهٔ پایدار است لذا به تعبیر سن تأمین آزادی‌های اساسی به افزایش توانمندی‌ها و رفع محرومیت و فقر و بالا بردن سطح کیفیت زندگی و توسعه می‌انجامد(سن، ۱۳۸۵) و به این ترتیب ترکیبی از آزادی و عدالت زمینه‌ساز پایداری می‌گردد. از این رو نظریهٔ خوب زیستن یا زندگی خوب سن می‌تواند مفهوم توسعهٔ پایدار را داشته باشد(Distaso, 2000: 163). جهت سنجش توسعهٔ پایدار شاخص‌های متعددی مطرح گردیده‌اند مانند شاخص توسعهٔ انسانی[1](HDI) شاخص رفاه اقتصادی پایدار[2](ISEW) (Stockammer,1997)، شاخص پایداری سن[3]و شاخص‌های دیگر که هریک ابعاد مختلف را مطرح کرده‌اند.

چارچوب نظری تحقیق

در این تحقیق برای فرضیه آزمایی از شاخص پایداری سن استفاده شده است. این شاخص به لحاظ دارا بودن ابعاد مختلف پایداری همچون محیط زیست، کیفیت زندگی، توانمندی و آزادی‌های انسان نسبت به شاخص‌های دیگر برتری دارد. برتری این شاخص را

1- Human Development Index (HDI) 2- Index of Sustainable Economic Welfare (ISEW)
3 - sen's index of sustainability

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

اتکینسون در مقایسه با شاخص توسعهٔ انسانی اشاره کرده است (Atkinson ,1997). در این شاخص متغیرهایی که نمایش‌گر پنج نوع آزادی سن هستند اندازه‌گیری می‌شوند که در ادامه معرفی می‌شوند:

معرفی متغیرها

متغیرهای مورد نظر با توجه به مفهوم قابلیت‌ها وتوانمندی‌هایی که به تعبیر سن به ساخت زندگی مطلوب می‌انجامد، براساس ۵ نوع آزادی اساسی مورد نظر سن تعیین می‌شوند که جنبه‌های پایداری را نیز در بردارند این متغیرها را می‌توان به شرح زیر بیان نمود:

۱- متغیرهای مربوط به آزادی‌ها و ایجاد تسهیلات اقتصادی مانند نرخ مشارکت نیروی کار، وضعیت مصرف، آزادی اقتصادی، درآمد سرانه برحسب برابری قدرت خرید

۲- متغیرهای مربوط به دستیابی به فرصت‌های اجتماعی مانند آموزشی، بهداشت، فعالیت‌های فرهنگی و هنری

۳- متغیرهای مربوط به فراهم شدن آزادی‌های سیاسی: تعداد احزاب، تعداد مطبوعات

۴- متغیرهای مربوط به ضمانت شفافیت رفتاری: تعداد مطبوعات درجهٔ آزادی اقتصادی

۵- متغیرهای مربوط به پوشش‌های ایمنی و حمایتی: توزیع درآمد، امید به زندگی، محیط زیست

این متغیرها می‌توانند معیارهایی برای توانمندی‌های حاصله محسوب شوند. به عنوان مثال بیکاری یا عدم اشتغال نشان‌گر محرومیت‌ها ونا آزادی‌هایی است که خود محرومیت‌های دیگر را نیز به دنبال می‌آورد. شواهد بسیاری وجود دارد که بیکاری علاوه بر از دست دادن در آمد، موجب صدمات روانی، از دست دادن انگیزهٔ کار و مهارت، عدم اعتماد به نفس، خدشه به روابط خانوادگی و زندگی اجتماعی، افزایش بیماری‌ها و مرگ و میر می‌گردد (سن، ۱۳۸۵) که همگی این‌ها توانمندی برای ایجاد یک زندگی مطلوب را کاهش می‌دهد. بنابراین نرخ بالای مشارکت نشان‌گر وجود فرصت‌های برابر و آزادی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

استفاده از آن‌ها بوده و موجب افزایش توانمندی و قابلیت‌های ایجاد یک زندگی مطلوب می‌گردد. همچنین مصرف هر چند به طور مستقیم سطح زندگی را اندازه‌گیری نمی‌کند اما به عنوان ابزاری برای تعیین آن تلقی می‌شود (Sen and Anand , 1994). وضعیت مصرف از لحاظ قدرت خرید می‌تواند معیاری برای وجود یا فقدان آزادی‌های اساسی و به دنبال آن توانمندی‌ها و قابلیت‌ها باشد. بالا بودن قدرت خرید افراد ضمن این که خود نشان‌گر وجود آزادی‌های اقتصادی و دیگر آزادی‌هایی است که شرایط و فرصت‌های مناسب برای دارندگان قدرت خرید فراهم آورده، از سوی دیگر خود نیز موجبات فراهم آوردن امکانات و فرصت‌های جدید و کارآمدتری را نیز ایجاد می‌کند که افراد از طریق آن‌ها به قابلیت‌ها و توانمندی‌های کسب زندگی مطلوب دست می‌یابند. بنابراین مخارج مصرفی خانوارها با توجه به تغییرات نرخ برابری قدرت خرید می‌تواند یکی از معیارهای مورد نظر باشد.

معیارهای دیگر همچون آموزش، بهداشت و وضعیت محیط زیست نیز می‌تواند بیان‌گر میزان آزادی‌های استفاده از امکانات آموزشی، بهداشتی و هوای سالم برای افراد جامعه باشند که در صورت وجود فرصت‌های برابر امکان بهره‌مندی تعداد کثیری از افراد جامعه را فراهم آورده و از طریق افزایش دانش و اطلاعات و نیز برخوداری از بدن سالم وهوای سالم توانمندی کلیت جامعه را برای ایجاد زندگی مطلوب افزایش می‌دهد و از آن‌جا که آثار این عوامل بلند مدت بوده و نسل‌های آینده را نیز بهره مند می‌سازد لذا امکان تحقق توسعهٔ پایدار را فراهم می‌آورد. فایدهٔ آموزش‌های اساسی ضمن آن که همهٔ اجتماع را شامل می‌شود تعالی فرد آموزش دیده را نیز به همراه دارد و گسترش عام آموزش و سواد در یک ناحیهٔ تغییرات اجتماعی (مانند کاهش باروری، کاهش معلولیت‌ها و مرگ و میر) را تسهیل کرده و به توسعهٔ اقتصادی کمک می‌کند وبه این ترتیب همهٔ مردم از آن بهره مند خواهند شد. لذا آموزش عمومی را می‌توان کالای عمومی و یا نیمه عمومی در نظر گرفت(سن، ۱۳۸۵) که فراهم شدن آن کلیت جامعه را متحول می‌کند. همچنین بالا بودن سطح بهداشت عمومی و حفظ محیط زیست ایمنی جامعه را بالا می‌برد. محیط عاری از

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

بیماری‌ها و آلودگی هوا امکان استفاده از آثار فضای سالم را نـه تنهـا بـرای یـک محـدودهٔ جغرافیایی و یک نسل بلکه برای تمامی مناطق و نسل‌های آتی نیز فراهم می‌سازد چرا کـه انسان سالم فرزند سالم و نسل سالم را به وجود می‌آورد و افراد سالم توانمندی ایجاد یـک زندگی مطلوب را به طریق اولی دارا هستند. وجود محـیط زیـست سـالم نـشان‌گـر بهـره برداری صحیح از منابع طبیعی واقتصادی موجود در جامعه می‌باشد که ضـمن ایجـاد آثـار زیست محیطی از اتلاف منابع جلوگیری به عمل آمده و استفاده بهینه از منابع را برای نسل فعلی و آینده فراهم می‌سازد و پایداری این منابع و استفادهٔ بهینه در طول دوره از الزامـات توسعهٔ پایدار هستند. بنابراین کاهش انتشار مواد آلاینده همچـون Co, NO_2 , SO_2 , CO_2 و نیز درصد افزایش سطح زمین‌های حفاظت شده و جنگل‌هـا کـه بیـان‌گـر بهبـود وضـعیت محیط زیست می‌باشند می‌توانند معیار توسعه باشند. همچنین از آن جا که تغییـرات طـول عمر به مجموعه‌ای از فرصت‌های اجتماعی کـه در توسـعه نقـش محـوری دارنـد مربـوط می‌شود(سن، ۱۳۸۵) لذا امید به زندگی یکی از معیارهای توسعه است. بالا بودن میزان امید به زندگی بیان‌گر توانمندی بیش‌تر فرد برای انتخاب مناسب‌تر نوع زندگی می‌باشد.

از سوی دیگر حقوق سیاسی و مدنی این فرصت را به مردم می‌دهد که توجه دولت را به نیازهای عام جلب نموده واقدامات عمـومی متناسـب بـا آن را خواسـتار شـوند (سـن، ۱۳۸۵) از این رو مشارکت مردم در فرآیند تصمیم‌گیری از طریق تشکیل احزاب، سازمان‌ها ونهادهای غیر دولتی، مطبوعات، مراکز فرهنگی و هنری ودسترسی بـه اینترنـت بـه منزلـهٔ ایجاد فرصت‌هایی برای جلب توجه سیاسـت گـذاران جهـت شـکل‌گیـری اندیـشه بـرای اولویت‌بندی نیازها می‌باشد. وجود این فرصت‌ها واستفادهٔ مناسب از آن‌ها بیـان‌گـر میـزان آزادی‌های سیاسی و در نتیجه سطح توانمندی افراد برای انتخاب نوع زندگی مطلوب است که از ابعاد توسعه به تعبیر سن می‌باشد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

روش تحقیق

نوع مطالعه

این تحقیق در دو مرحله انجام می‌گیرد در مرحلهٔ اول در قالب مرور روایتی برنامه‌های توسعهٔ ایران را با توجه به مبانی نظری مورد ارزیابی قرار می‌دهد و در مرحلهٔ دوم برنامهٔ سوم و بخشی از برنامهٔ چهارم را طی یک دورهٔ ۸ ساله (۸۶- ۱۳۷۹) به طریق فرضیه آزمایی و با استفاده از شاخص پایداری سن بررسی نموده و نتایج به صورت میزان تحقق اهداف برنامه‌های توسعه در طی این دوره در رابطه با ایجاد توانمندی‌ها و میزان پایداری مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

تحلیل داده‌ها

در مرحلهٔ اول از روش انحراف معیار[1] (SD) استفاده می‌شود. این روش برای ساخت شاخص پایداری سن (S_{isd}) به منظور اندازه‌گیری متغیرها مورد استفاده قرار می‌گیرد. متغیرهای موردنظر به صورت زیر درون تابع قرار می‌گیرند:

$$S_{isd}= f(x_1,x_2,\ldots,x_n)$$

X_iها متغیرهای اولیه هستند که واحدهای سنجش آن‌ها یکسان نیست و جمع آن‌ها یک مقدار واقعی نمی باشد برای رفع این اشکال به دو طریق عمل می‌شود: تبدیل تابع به شکل لگاریتمی و یا استاندارد کردن متغیرها، که در این جا به روش دوم عمل می‌شود و متغیرها استاندارد می‌شوند که با z_i نشان می‌دهیم.

$$S_{isd}= f(z_1,z_2,\ldots,z_n)$$

در واقع متغیرهای اولیه x_{ij} به روش انحراف معیار استاندارد می‌شوند به طوری که $\bar{x}_{.j}$ میانگین حسابی شاخص j برای دوره iام و σ_j عبارت از جذر واریانس یا انحراف از میانگین برای شاخص jام می‌باشد. z_i متغیرهای استاندارد شده هستند که مرتبط با توسعهٔ پایدار می‌باشند وبه این صورت نشان داده می‌شود:

1 - standard deviation

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

$$S_{isd}I = f(z_1 + z_2 + ... + z_n)$$

$$S_{isd}I = \frac{\sum_{j=1}^{x} Z_{ij}}{n}$$

به طوری که $S_{isd}I$شاخص پایداری سن برای هر دورهٔ زمانی، Z_{ij} واحد ij از ماتریس متغیرهای استاندارد شده و n تعداد متغیرهاست این شاخص براساس داده‌های دورهٔ زمانی مورد نظر به صورت سالانه ودوره‌های ۵ ساله هر برنامهٔ توسعه محاسبه می‌شود. مقادیر به دست آمده با توجه به علامت مثبت یا منفی بیان‌گر موقعیت مطلوب یا نامطلوب از نظر توسعهٔ پایدار می‌باشد.

در مرحلهٔ دوم از روش تحلیل عاملی یا تجزیهٔ عاملی[1] استفاده می‌شود.

این روش برای کاهش تأثیر همبستگی میان متغیرها در برآورد نتایج مورد استفاده قرار می‌گیرد. تحلیل عاملی یک مدل ریاضی است که همبستگی بین مجموعهٔ بزرگی از متغیرها را برحسب تعداد کمی از عامل‌ها بیان می‌کند. فرض عمده در تحلیل عاملی این است که مشاهدهٔ این عامل‌ها به طور مستقیم امکان پذیر نیست (مثل هوش یا سطح توسعه) (توفیق ۱۳۷۲: ۱۱) با این روش متغیرهایی که به علت همبستگی بامتغیرهای دیگر تأثیر بیش‌تری بر سطح توسعه می‌گذارند به صورت چند عامل اصلی و مستقل از هم بیان می‌شوند. ماتریسی که از عامل‌های اصلی تشکیل می‌شود با نرم افزار spss محاسبه شده و مقادیر عامل‌ها تعیین می‌شوند و برای هر یک امتیازی مشخص می‌شود که سهم هر عامل را در توسعه مشخص می‌کند. به این ترتیب عواملی که تأثیرگذاری بیش‌تری دارند شناسایی شده و می‌توانند در برنامه‌ریزی‌های توسعه جهت تسریع روند برنامه‌های توسعه مورد استفاده قرار گیرند.

1 - factor analysis

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

یافته‌ها (در بخش مرور روایتی)

در کشور ما اولین اقدام برای توسعه، آغاز به تدوین برنامه در سال ۱۳۲۴ بود که در قالب برنامه‌های عمرانی از سال ۱۳۲۷ آغاز گردید و طی دو برنامهٔ ۷ ساله و سه برنامهٔ ۵ ساله تا سال ۱۳۵۶ ادامه یافت (رزاقی، ۱۳۶۷). محور توسعه در دو برنامهٔ اول کشاورزی و در سه برنامهٔ بعدی بخش صنعت قرار داشت. سهم امور اجتماعی و مواردی مانند بهداشت عمومی، تأمین آب و برق و اسکان عشایر به علت تغییرات در منابع مالی حاصل از درآمدهای نفتی در حد نازلی قرار داشت.

در سه برنامهٔ چهارم و پنجم و ششم باتشکیل سپاه دانش و بهداشت ادامهٔ خدمات اجتماعی بیش‌تر در مناطق محروم در نظر گرفته شد وعادلانه‌تر شدن توزیع در آمد منوط به افزایش رشد اقتصادی گردید وفصلی مجزا برای رفاه اجتماعی در برنامهٔ چهارم اختصاص یافت. در برنامهٔ پنجم اهداف اجتماعی نظیر ارتقاء سطح بهداشت و آموزش، توزیع عادلانه‌تر درآمد، توجه به افزایش سطح زندگی گروه‌های کم درآمد و حفظ محیط زیست در اولویت قرار می‌گیرند(سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۵۳: ۴). اما با تأکید بر این امر که خللی در روند رشد اقتصادی وارد نشود. پس از انقلاب اسلامی اولین برنامهٔ توسعه پس از پایان جنگ در سال ۱۳۶۸ در قالب برنامهٔ توسعهٔ ۵ ساله تدوین گردید. محور برنامهٔ اول توسعه (۷۳– ۱۳۶۹) که پس ازاتمام جنگ ایران وعراق به اجرا درآمد عمدتاً بازسازی مناطق جنگی و سازندگی بود. تصدی گری دولت بر تمامی امور به طور گسترده در هر دو برنامه قابل مشاهده بوده و امر آزادی‌های اقتصادی و تقویت بخش خصوصی ر کم‌تر شاهد هستیم البته در رابطه با خدمات آموزشی، انتقال بخشی از فعالیت‌های دولتی به بخش غیر دولتی در برنامه مورد تأکید قرار گرفت، اما مسئلهٔ توزیع درآمد در اولویت‌های ثانویه قرار داشته و موکول به افزایش درآمد ملی گردید. در زمینهٔ خدمات بیمه‌ای نیز اهداف برنامه محقق نگردید. (عظیمی، ۱۳۸۴).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

برنامهٔ دوم (۷۸- ۱۳۷۴) براساس سیاست تعدیل اقتصادی تدوین یافت و امور تولید، سرمایه گذاری، مصرف، بودجهٔ عمومی دولت، پول، اعتبار، بازرگانی خارجی و اشتغال مورد توجه قرار گرفت. در اهداف کیفی نیز تلاش در تحقق عدالت اجتماعی شامل آموزش، بهداشت عمومی بیمه واشتغال مناطق محروم مورد تأکید قرار گرفت (سازمان برنامه و بودجه ۱۳۷۲) اما در عملکرد ضمن عدم موفقیت دولت در اجرای سیاست تعدیل اقتصادی، اهداف اجتماعی برنامه نیز محقق نگردید. برنامه سوم (۸۳- ۱۳۷۹) با ادامهٔ سیاست تعدیل اقتصادی و با تأکید بر اصلاح ساختاری در سیاست‌های کلان اقتصادی و نظام تأمین اجتماعی وتوسعهٔ عدالت محور تدوین شد. طرح موضوعاتی مانند رقابت پذیری اقتصاد، حذف انحصارات و تبعیض‌های اقتصادی، هدفمند شدن یارانه‌ها، گسترش مشارکت مردم از طریق گسترش نهادهای مدنی در قالب احزاب، نشان‌گر توجه دست اندرکاران تدوین برنامهٔ توسعه به گسترش نسبی آزادی‌هایی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است و همچنین توجه به مقولاتی همچون ارتقای امنیت انسانی، عدالت اجتماعی، ارتقای سلامت و حفظ محیط زیست بیان‌گر توجه تدوین کنندگان برنامه به امور اجتماعی و ارتقاءکیفیت زندگی می‌باشد و در همین رابطه سهم بیش‌تری از اعتبارات کل برنامه نیز به این امور اختصاص داده شد. اما سیاست گذاری مشخص در این زمینه مد نظر نبود. به عبارت دیگر توانمندی‌های انسان و کیفیت زندگی به عنوان محور توسعه نبوده بلکه عامل ابزاری قلمداد شده و با نگاه اقتصادی به آن نگریسته شده است.

برنامهٔ چهارم توسعه (۸۸-۱۳۸۴) با محور قراردادن دانایی در امر توسعه بر مواردی همچون توسعهٔ فن‌آوری، رقابت پذیری اقتصاد و رشد پایدار اقتصادی تأکید دارد. همچنین مقولاتی مانند ایجاد فرصت‌های برابر برای همه، ارتقای ظرفیت‌ها، توجه به بخش نفت به عنوان سرمایهٔ نسل فعلی ونسل آتی، کاهش بیکاری وایجاد ثبات اقتصادی (سند برنامه چهارم، ۱۳۸۵) مواردی هستندکه دراین برنامه تصریح شده‌اند. هدفمند نمودن یارانه‌ها، برپایی نظام کارآمد و فراگیر و جامع تأمین اجتماعی، توسعهٔ کارآفرینی و توانمندسازی فقرا

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

نیز در برنامه مد نظر قرار گرفته‌اند. تأکید وصراحت برنامهٔ چهارم بر این موارد بیانگر این مسئله است که در نگرش دست اندرکاران تدوین برنامهٔ ابعاد توسعهٔ پایدار مانند محیط زیست، منافع نسل آینده و کیفیت زندگی فردی جایگاه رو به رشدی داشته است اما همانند برنامهٔ سوم این عوامل نه به عنوان محور توسعه بلکه با نگاه ابزاری مطرح شده‌اند. از سوی دیگر تحقق این امور تحت تأثیر نگرش دست اندرکاران اجرای برنامه و سازوکارهای عملی آن‌ها قرار دارد.

به موازات برنامه‌های توسعه در کشور پژوهشی توسط سازمان برنامه و بودجه در سال ۱۳۷۸ انجام گرفت و اولین گزارش ملی توسعهٔ انسانی را منتشر نمود. این گزارش براساس ۵ محور هویت فرهنگی، حکومت قانون، دموکراسی، بازارهای رقابتی و چتر حمایت اجتماعی دردورهٔ زمانی ۷۶-۱۳۶۷ انجام شد (سازمان برنامه و بودجه ۱۳۷۸) اقدام به تهیهٔ این گزارش نشان‌گر وجود نگرش‌های انسان محور در توسعه می‌باشد اما در تدوین برنامهٔ سوم و چهارم توسعه هر چند به آن‌ها اشاره شده است اما جنبهٔ محوری نداشته وسیاست گذاری مشخصی دراین زمینه مطرح نشده است.

یافته‌ها (بخش فرضیه آزمایی)

الف- نتایج حاصل از روش انحراف معیار(SD)

متغیرهای اولیه (X_i) مندرج درجدول ۱ با استفاده از روش انحراف معیار، به متغیرهای استاندارد (Z_{ij}) تبدیل شده است. با قراردادن Z_{ij} در فرمول شاخص پایداری سن ($S_{jsd}^{i}I$) نتایج زیر حاصل گردید:

$S_{jsd}^{۷۹}I = -۰/۶۷$, $S_{jsd}^{۸۰}I = -۰/۱۹$, $S_{jsd}^{۸۱}I = -۰/۰۵$

$S_{jsd}^{۸۲}I = ۰/۰۳$, $S_{jsd}^{۸۳}I = ۰/۱۴$

$S_{jsd}^{۸۴}I = ۰/۳۷$, $S_{jsd}^{۸۵}I = ۰/۱۴$, $S_{jsd}^{۸۶}I = ۰/۳۰$

ارقام فوق سطح توسعهٔ پایدار را در سال‌های ۷۹ تا ۸۶ نشان می‌دهد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

بر اساس شاخص پایداری سن هرچه این رقم به ۱ نزدیک‌تر باشد وضعیت از نظر سطح توسعهٔ پایدار مطلوب‌تر است و ارقام منفی نشان‌گر وضعیت نامطلوب می‌باشد.

در طول دو برنامهٔ سوم و چهارم توسعهٔ اقتصادی، سطح توسعهٔ پایدار به طور متوسط عبارتست از:

$$S_{jsd}^{۷۹-۸۶}I = ۰/۰۶$$

و در طول برنامهٔ سوم توسعه(۸۳-۱۳۷۹)، این شاخص عبارت است از:

$$S_{jsd}^{۷۹-۸۳}I = -۰/۱۵$$

و در طول دورهٔ سه سالهٔ اول برنامهٔ چهارم توسعه (۸۶- ۱۳۸۴) این شاخص عبارتست از:

$$S_{jsd}^{۸۴-۸۴}I = ۰/۲۷$$

نتایج به دست آمده بیان‌گر آن است که در برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی که شاخص منفی است سطح توسعه پایدار ابتدا در وضعیت نامطلوب قرار داشته است اما روند آن رو به بهبود بوده است به طوری که در سال اول برنامهٔ چهارم (۸۴) شاخص در بالاترین سطح قرار گرفته و نشانه‌های بهبود که روند آن از دورهٔ گذشته آغاز شده بود دیده می‌شود، اما این روند در سال‌های بعد به کندی گراییده است.

ب- نتایج حاصل از روش تحلیل عاملی[1]

با استفاده از روش تحلیل عاملی متغیرهایی که به علت همبستگی با متغیرهای دیگر تأثیر بیش‌تری بر سطح توسعه می‌گذارند به صورت ۲ عامل اصلی مستقل از هم بیان شده و با استفاده از نرم‌افزارspss برای هر یک امتیازی مشخص شده و سهم هر عامل در توسعه مشخص گردیده است. این دو عامل با توجه به ماهیت متغیرهایی که درون هر عامل جای گرفته است تحت دو عنوان عامل اقتصادی ـ اجتماعی (F_1) و عامل فرهنگی ـ اجتماعی (F_2) در جدول ۲ آورده شده است. این جدول نشان می‌دهد که عامل اول (F_1) یعنی عامل

1- Factor Analysis

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

اقتصادی ـ اجتماعی سهم بیش‌تری در توسعه دارا است و سهم عامل دوم (F_2) کم‌تر است. سهم هر متغیر نیز درون هر عامل مشخص گردیده است.

در روش تحلیل عاملی تعداد متغیرها بایستی زیاد باشند تا با توجه به همبستگی میان متغیرها، رابطه میان آن‌ها و عامل‌های مشترک معنی دارتر بوده وتحلیل آن‌ها آسان‌تر انجام گیرد. اما از آن‌جا که آمارهای مربوط به شاخص‌های پایداری عمدتاً محدود به دو دههٔ اخیر در سطح جهان و یک دههٔ اخیر در کشور ما می‌باشد، لذا متغیرها و سال‌هایی که دسترسی به آمار آن‌ها موجود می‌باشد به حد کفایت برای روش تحلیل عاملی نیستند.

این مسئله در قسمت KMO و نیز تحلیل عامل تأییدی به روشنی مشخص است. زیرا مقدارKMO به دست آمده در تحلیل حاضر(۴٪)کم‌تر از میزان قابل قبول که۵٪ است می‌باشد، به همین دلیل در نتایج به دست آمده مشاهده می‌شود که عامل اصلی(F_1) علاوه بر داشتن ماهیت اقتصادی دارای ماهیت اجتماعی نیز می‌باشد و نیز رابطهٔ برخی متغیرها با عامل اصلی معنی‌دار نیست، لذا نتایج حاصل شده از روش تحلیل عاملی در اینجا جنبهٔ نسبی دارد و شناسایی عوامل مؤثر بر توسعهٔ پایدار به طور محدود فراهم شده است. اما نتایج حاصل از روش اول یعنی شاخص پایداری سن که سطح پایداری را در سال‌های موردنظر نشان می‌دهد، می‌تواند به طور مشخص در مطالعات و بررسی‌های مربوط به توسعهٔ پایدار کشور مورد توجه قرار گیرد.

ب-۱: دوران عاملی[1]

از آن جا که گاهی بارهای عامل اولیه از نظر تشخیص هویت عوامل مشترک و مستقل به آسانی قابل تفسیر نیستند، عامل‌ها دوران داده می‌شوند تا ساختار ساده‌تری به دست آید. به این منظور برای دوران عامل‌ها روش واریماکس[2] به کار رفته است که با نرم افزار spss محاسبه شده و هویت عوامل بیش‌تر مشخص شده است و نتایج در جدول (۳) با عنوان ماتریس عوامل چرخشی[3] آورده شده و سهم متغیرها در هر دو عامل تعیین شده است.

1- Rotation 2- Varimax 3- Rotated component matrix

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

ب-۲: نتایج حاصله از دوران (چرخش)عامل‌ها

ارقام مندرج در ماتریس عوامل دوران یافته حاکی از این است که ۹ متغیر با ضریب همبستگی بالای ۹۰ درصد سهم بالایی در عامل اول(F_1) یعنی عامل اقتصادی ـ اجتماعی دارند. ۶ متغیر همبستگی مثبت دارند به این مفهوم که با افزایش آن‌ها سطح توسعه افزایش می‌یابد. این متغیرها به ترتیب عبارتند از: مصرف نهایی خصوصی (Z_4)، نرخ مشارکت (Z_1)، درصد مناطق حفاظت شدهٔ طبیعی (Z_9)، درآمد سرانه (Z_6)، بهداشت (Z_3)، آزادی اقتصادی (Z_5). از میان متغیرهای فوق ۴ متغیر ماهیت اقتصادی دارند. به این صورت که دو متغیر مصرف نهایی خصوصی و درآمد سرانه هر دو بیان‌گر قدرت خرید جامعه است. نرخ مشارکت بیان‌گر میزان مشارکت همگانی در فعالیت‌های اقتصادی و وضعیت اشتغال بوده و آزادی اقتصادی نیز بیان‌گر میزان آزادی افراد در برخورداری از امکانات و منابع جامعه جهت انجام فعالیت‌های اقتصادی می‌باشد. دو متغیر درصد مناطق حفاظت شدهٔ طبیعی و بهداشت عوامل غیر اقتصادی هستند، متغیر اول با محیط زیست مرتبط است و همبستگی مثبت آن با عامل اول (F_1) تأثیر مثبت آن را در توسعه نشان می‌دهد اما از آن جا که یک متغیر دیگر با عنوان کاهش سرانه انتشار گازهای آلاینده نیز با محیط زیست مرتبط است و همبستگی منفی بالای ۹۰ درصد با عامل F_1 دارد، متغیر قبلی می‌تواند آثار منفی این متغیر را خنثی کند. از سوی دیگر همبستگی منفی متغیر اشاره شده می‌تواند بیان‌گر این امر باشد که در شرایط فعلی رشد عامل اقتصادی موجب افزایش سرانهٔ انتشار آلاینده‌های محیط زیست می‌گردد و کاهش انتشار این آلاینده‌ها مستلزم کندی روند رشد عامل اقتصادی است و از آن‌جا که کشورما در ردهٔ کشورهای در حال توسعه بوده وفن‌آوری‌های موجود در صنعت و کشاورزی عمدتاً با مقولهٔ محیط زیست سازگاری ندارند، لذا این همبستگی منفی از لحاظ اقتصادی معنادار است.

همبستگی مثبت و بالای متغیر بهداشت با عامل اقتصادی ـ اجتماعی F_1 نیز بیان‌گر تأثیر سلامت بر افزایش توانمندی انجام فعالیت‌های اقتصادی ـ اجتماعی افراد می‌باشد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

دو متغیر سینما (Z_7) و مطبوعات (Z_8) که با مقوله‌های فرهنگ، سیاست و مسائل اجتماعی ارتباط دارند با عامل F_1 همبستگی منفی بالای ۹۰ درصد دارند البته در این تحقیق به علت عدم دسترسی به آمار مقولات فرهنگی و سیاسی، این بررسی محدود به چند متغیر سینما، مطبوعات و احزاب گردیده است اما در همین محدوده نیز آمار موجود بیانگر پایین بودن فعالیت‌های اقتصادی ـ اجتماعی در زمینهٔ سینما ومطبوعات است که ناشی از عدم امکان مشارکت بخش خصوصی و فقدان آزادی‌های مناسب در این زمینه‌ها می‌باشد.

دو متغیر احزاب (Z_{12}) و امید به زندگی (Z_2) از مقولات سیاسی و اجتماعی هستند که با عامل اقتصادی ـ اجتماعی F_1با ضرایب همبستگی ۷۰ و ۵۹ درصد رابطهٔ مستقیم دارند.

تعداد احزاب بیانگر میزان مشارکت همگانی در تصمیم‌گیری‌هاست که بالا بودن آن موجب افزایش رشد عامل اقتصادی ـ اجتماعی می‌گردد. امید به زندگی نشانگر سطح میزان برخورداری افراد از فرصت‌های اجتماعی و سطح رضایت‌مندی آن‌ها از وضعیت زندگی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است و بالا بودن آن موجب افزایش توانمندی افراد در بالا بردن سطح کیفیت زندگی خویش در بعد اقتصادی و اجتماعی آن می‌باشد.

دو متغیر آموزش (Z_{13}) و توزیع درآمد (Z_{10}) از مقولات اجتماعی هستند که سهم کم‌تری در عامل اقتصادی- اجتماعی (F_1) دارند. اما در عامل دوم (F_2) که به عنوان عامل فرهنگی ـ اجتماعی نامیده شد بیش‌ترین سهم را دارا هستند. امید به زندگی نیز سهم بالایی در عامل F_2 دارد.

متغیرهای درآمد سرانه، مصرف نهایی خصوصی، محیط زیست، بهداشت و آزادی اقتصادی دارای ضرایب همبستگی مثبت بوده اما سهم کم‌تری در عامل F_2 را دارا هستند.

ضرایب همبستگی مثبت وبالای دو متغیر آموزشی وامید به زندگی نسبت به عامل F_2 سهم بالای آن‌ها را در مقولات فرهنگی و اجتماعی نشان می‌دهد. به این معنا که با افزایش

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

آن‌ها ابعاد فرهنگی و اجتماعی توسعهٔ پایدار افزایش می‌یابد. متغیرهای دیگر با ضرایب همبستگی منفی و پایین نسبت به عامل F_2 قرار دارند که بعضاً معنی‌دار نیستند و صرفاً مقولهٔ آماری هستند و دلیل این امر محدود بودن تعداد متغیرهای مربوطه به علت عدم دسترسی به آمار بوده است، لذا مقدار متغیرها و سال‌هایی که دسترسی به آمار آن‌ها موجود می‌باشد به حد کفایت برای روش تحلیل عاملی نیستند اما به طور نسبی امکان تعیین وضعیت موجود و شناسایی عوامل مؤثر در امر توسعهٔ پایدار با این روش تا حدودی فراهم گردیده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

جدول ۱- داده‌های متغیرهای اولیه (X_i)

شاخص آموزش (درصد)	تعداد احزاب	سرانه کاهش CO_2 (تن ـ متریک در سال)	کاهشنا برابری درآمد (نسبت ۱۰٪ فقیرترین به ۱۰٪ ثروتمندترین)	مناطق حفاظت شده (درصد به کل مساحت)	مطبوعات (شمارگان به ۱۰۰۰ نفر)	سینما (تعداد به ۱۰۰۰۰۰ نفر)	درآمد سرانه بر حسب PPP (دلار)	آزادی اقتصادی (درصد)	مصرف خصوصی (میلیون دلار)	بهداشت (تعداد پزشک هر ۱۰۰۰۰۰ نفر)	امید زندگی (سال)	اشتغال (نرخ مشارکت) (درصد)	
x_{13}**	x_{12}	x_{11}*	x_{10}*	x_9	x_8*	x_7*	x_6*	x_5***	x_4*	x_3*	x_2	x_1	سال
۰. ۷۲۹	۲	٤٤	۰. ۰٦۸	۳	٦	٤۹. ۵	٤۵۰۰	۳٤. ۵	۲۰٤۲۰	۱۰٤. ٤	٦۸. ۸	۳۷. ٤	۱۳۷۹
۰. ۷۷	۲	٤۷	۰. ۰٦۸	۳. ۸	٦	٤۷. ٦	۵۹۱۰	۳۳. ۵	۲۱۸۹۳	۱۱٦. ٦	٦۹. ۸	۳۷. ۸	۸۰
۰. ۸۲	۲	۳۸	۰. ۰۵۸	۳. ۹	٦	٤۰. ٤	٦٤۵۳	۳۹. ٤	۲٤۳۲۳	۱۱۷. ۳	۷۰. ٤	۳۸. ۲	۸۱
۰. ۸۳۵	۲	۳۸	۰. ۰٦۲	٤. ۳	۵	۳۸. ۹	۷۵۲۵	۳۸. ۷	۲٤٦۰٦	۱۱۹. ۱	۷۰. ۷	۳۸. ٤	۸۲
۰. ۷٤	۲	۳۰	۰. ۰٦۹	٤. ۸	۵	۳۵. ۵	۷۹٦۸	۴۳. ۹	۲٦۱۹۰	۱۲٤. ٦	۷۰. ۱	۳۹. ٦	۸۳
۰. ۷۹۲	۲	۲۳	۰. ۰٦۸	٤. ۸	۵	۳٤. ٤	۷۸۵۰	۴۳. ۲	۲۷۸۲۸	۱۳۰. ۵	۷۰. ۵	٤۱	۸٤
۰. ۸۰٤	۲	۱۵	۰. ۰٦٦	٤. ٦	٤	۳۲. ۳	۸۵۳۵	۴۳. ۱	۲۸۹٦٤	۱۲۷. ۷	۷۰. ۲	٤۰. ٤	۸۵
۰. ۷۹۳	۲	۰	۰. ۰٦۵	۵. ۱	٤	۳۱. ۸	۱۰۰۳۱	۴۳. ۸	۳۰٦۳٤	۱٤۲. ۸	۷۰. ۵	۳۹. ۸	۸٦
۰. ۷۸۵	۲	۲۹. ٤	۰. ۰٦۵	٤. ۳	۵. ۱	۳۸. ۸	۷۳٤٦. ۵	٤۰	۲۵٦۰۷. ۱	۱۲۲. ۸	۷۰. ۱	۳۹. ۱	X_{oj}
۰. ۰۳	۰	۱۱. ۷٤	۰. ۰۰٤	۰. ٦	۰. ۸	٦. ۳	۱۵۹۱. ۲	۳. ۹	۳۲٦۲. ٦	۱۰. ٦	۰. ٦	۱. ۲	σ_j

- میانگین X_{oj}- انحراف معیارσ_j

ماخذ: مرکز آمار، سالنامه‌های آماری بانک مرکزی، اطلاعات سری‌های زمانی

* محاسبات تحقیق (با استفاده از آمار ترازنامه انرژی ـ وزارت نیرو)

** گزارش‌های توسعه انسانی بانک جهانی ـ بانک مرکزی

*** بنیاد هریتیج

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

جدول۲- متغیرهای استاندارد شده-(Z_{ij})

سال	Z_1	Z_2	Z_3	Z_4	Z_5	Z_6	Z_7	Z_8	Z_9	Z_{10}	Z_{11}	Z_{12}	Z_{13}
۱۳۷۹	-۱. ۲۸۳۸۶	-۲. ۱۹۳۱۶	-۱. ۶۲۲۶۵	-۱. ۴۸۷۱۸	-۱. ۳۰۹۴۹	-۱. ۶۷۳۳۷	۱. ۵۹۲۵۳۶	۱. ۰۴۸۵۰۳	-۱. ۸۶۷۰۵	۰. ۶۶۱۴۳۸	۰. ۹۱۶۱۴۲	-۰. ۶۴۳۸	-۱. ۵۲۳۵۸
۸۰	-۰. ۹۷۷۲۶	-۰. ۵۳۷۹۴	-۰. ۵۵۱۱۳	-۱. ۰۶۴۸۷	-۱. ۵۴۷۰۴	-۰. ۸۴۴۴۸	۱. ۳۰۹۷۴۹	۱. ۰۴۸۵۰۳	-۰. ۷۰۶۹۴	۰. ۶۶۱۴۳۸	۱. ۱۰۴۰۶۸	-۰. ۶۴۳۸	-۰. ۴۱۵۵۲
۸۱	-۰. ۶۷۰۶۷	۰. ۴۵۵۱۸۳	-۰. ۴۸۹۶۵	-۰. ۳۶۸۱۹	-۰. ۱۴۵۵	-۰. ۵۲۵۲۶	۰. ۲۳۸۱۳۶	۱. ۰۴۸۵۰۳	-۰. ۵۶۱۹۳	-۱. ۹۸۴۳۱	۰. ۵۴۰۲۸۹	-۰. ۶۴۳۸	۰. ۹۳۵۷۶۸
۸۲	-۰. ۵۱۷۳۸	۰. ۹۵۱۷۴۷	-۰. ۳۳۱۵۶	-۰. ۲۸۷۰۶	-۰. ۳۱۱۷۸	۰. ۱۰۴۹۳۵	۰. ۰۱۴۸۸۴	-۰. ۱۴۹۷۹	-۰. ۰۱۸۱۲۷	-۰. ۹۲۶۰۱	۰. ۵۴۰۲۸۹	-۰. ۶۴۳۸	۱. ۳۴۱۱۵۵
۸۳	۰. ۴۰۲۴۰۳	-۰. ۰۴۱۳۸	۰. ۱۵۱۵۰۶	۰. ۱۶۷۰۷۳	۰. ۹۳۳۴۷۱	۰. ۳۶۵۳۶۱	-۰. ۴۹۱۱۶	-۰. ۱۴۹۷۹	۰. ۷۴۳۱۹۴	۰. ۹۲۶۰۱۳	۰. ۰۳۹۱۵۱	-۰. ۶۴۳۸	-۱. ۲۲۶۳
۸۴	۱. ۶۷۵۴۷۸	۰. ۶۲۰۷۰۴	۰. ۶۶۹۷۰۱	۰. ۶۳۶۶۸۵	۰. ۷۵۷۱۸۷	۰. ۲۹۵۹۹۳	-۰. ۶۵۴۸۷	-۰. ۱۴۹۷۹	۰. ۷۴۳۱۹۴	۰. ۶۶۱۴۳۸	-۰. ۳۹۹۳۴	-۰. ۶۴۳۸	۰. ۱۷۹۰۴۶
۸۵	۱. ۰۱۵۵۸۹	۰. ۱۲۴۱۴۱	۰. ۴۲۳۷۷۸	۰. ۹۶۲۳۷۵	۰. ۷۳۳۴۳۲	۰. ۶۹۸۶۸۴	-۰. ۹۶۷۴۳	-۱. ۳۴۸۰۸	۰. ۴۵۳۱۶۷	۰. ۱۳۲۲۸۸	-۰. ۹۰۰۴۸	-۰. ۶۴۳۸	۰. ۵۰۳۳۵۵
۸۶	۰. ۵۵۵۶۹۹	۰. ۶۲۰۷۰۴	۱. ۷۵۰۰۰۰۶	۱. ۴۴۱۱۶۱	۰. ۸۹۹۷۱۶	۱. ۵۷۸۱۳۷	-۱. ۰۴۱۸۵	-۱. ۳۴۸۰۸	۱. ۱۷۸۲۳۵	-۰. ۱۳۲۲۹	-۱. ۸۴۰۱۱	-۰. ۶۴۳۸	۰. ۲۰۶۰۷۲

جدول ۳- همبستگی (پیرسن) متغیرهای استاندارد شده (Z_{ij})

	z۱	z۲	z۳	z٤	z٥	z٦	z۷	z۸	z۹	z۱۰	z۱۱	z۱۲	z۱۳
z۱	۱	۰. ۲۰۵۲۹۸	۰. ۸۶۰۰۲۷	-۰. ۷۷۲۵۱	۰. ۲٤٦۲٤۸	۰. ۸۵۲۲۸٤	-۰. ۷۷۰۸٦	-۰. ۸۸۸۱۹	۰. ۷۷۷٤۱۹	۰. ۸۸۳٦۵۸	۰. ۸۷۵۷۵۹	۰. ۷۹٦۲۵	۰. ۵۵۹۱۳
z۲		۱	۰. ۸۰۲۸۰۵	۰. ۳۳٤۹۰۹	-۰. ٤۷۱۰۷	-۰. ٤٦۹۲۱	۰. ۷۷۹۲۳٤	-۰. ۵۱۷۱۱	-۰. ۷٤٦۸	۰. ۷٤۵۷۰۳	۰. ٦۳۱۷۷۸	۰. ٦۸۵۱۳۳	۰. ٦۹۵۰۰٤
z۳			۱	۰. ۳۲۹٤۹	-۰. ۵٦٤۹۰٦	-۰. ۹۱٤۵۸	۰. ۰۳۵۵۲	۰. ۹۳٦۰۸٦	-۰. ۸۲۸۰٦	-۰. ۸۸۱۹٦	۰. ۹۵۹۲۲	۰. ۸۱۲۰۵۸	۰. ۹۵۱۰۱۳
z٤				۱	۰. ۳۸۱۳۲۷	۰. ٦٤٦۹۸۱	-۰. ۹۵۱۲	-۰. ۰۲۵۵۸	۰. ۹۲۳۲۳۱	-۰. ۹۱۱۳۵	-۰. ۹٦۹۵۱	۰. ۹٦۳۹۱	۰. ۹۱۰۹٦٤
z٥					۱	۲۳٤٤۷۷ ۰.	۰. ۵٦۸۷٦۵	-۰. ۸۱۹۵۷	۰. ۰۰۳۱٤۲	-۰. ۸۹۳۷۳۵	-۰. ۷۹۳٤۷	۰. ۹٦۳۸۹	۰. ۸٦۲۱۷۷
z٦						۱	۰. ٤۰٤٤۹٦	-۰. ۹۰٤۲۱	-۰. ۰٤۳۲۲	-۰. ۸۹۵۱۲۵	-۰. ۹۱۰٦۹	-۰. ۹٤۱۱۲	
z۷							۱	-۰. ٤۲۰٦۳	-۰. ٦۰۵۹٤	۰. ۸٦۷٤۷۲	۰. ۰۷۹۳۱۹	-۰. ۹۳۵۷۸	۰. ۸۸۱۵٤۷
z۸								۱	-۰. ۲۹۳۲	-۰. ۵۵۱۰٤	۰. ۹۰۷٤٦۳	-۰. ۱۱۳۲۳	-۰. ۸۱٦۰۹
z۹									۱	۰. ۳۳۲۷۷٤	۰. ۵۲۹۰۳۵	-۰. ۸۰٤۰۹	۰. ۰٦۸۵۱۲
z۱۰										۱	-۰. ۷٦۵٦	۰. ۲۵۹۵۵٤	-۰. ۰٤۸۵٤
z۱۱											۱	-۰. ۲۲۵۱۹	-۰. ۵۹۳٤۱
z۱۲												۱	۰. ۲۱٤۵۸۹
z۱۳													۱

جدول ۳- Component Matrix(a)

Component		
2	1	
−۰/۰۵۴	۰/۹۳۹	Z1
۰/۷۳۱	۰/۵۹۲	Z2
۰/۱۸۱	۰/۹۲۸	Z3
۰/۲۰۵	۰/۹۷۰	Z4
۰/۱۳۱	۰/۹۱۶	Z5
۰/۲۷۲	۰/۹۲۸	Z6
−۰/۲۶۸	−۰/۹۴۶	Z7
−۰/۰۷۷	−۰/۹۰۷	Z8
۰/۱۹۷	۰/۹۳۳	Z9
۰/۹۲۴	۰/۲۰۱	Z10
−۰/۰۶۱	−۰/۹۲۱	Z11
−۰/۱۳۲	۰/۷۱۳	Z12
۰/۹۱۷	۰/۲۱۲	Z13

Extraction Method: Principal Component Analysis.
a 2 components extracted

جدول۴- Rotated Component Matrix(a)

Component		
2	1	
−۰/۲۷۳	۰/۹۰۰	Z1
۰/۵۷۲	۰/۷۴۷	Z2
−۰/۰۴۲	۰/۹۴۵	Z3
−۰/۰۲۹	۰/۹۹۱	Z4
−۰/۰۸۸	۰/۹۲۱	Z5
۰/۰۴۶	۰/۹۶۶	Z6
−۰/۰۳۸	−۰/۹۸۲	Z7
۰/۱۳۸	۰/۹۰۰	Z8
−۰/۰۲۸	۰/۹۵۳	Z9
۰/۹۴۶	−۰/۰۲۲	Z10
۰/۱۵۷	−۰/۹۰۹	Z11
−۰/۲۹۶	۰/۶۶۳	Z12
۰/۸۴۲	۰/۴۲۲	Z13

Extraction Method: Principal Component Analysis.
Rotation Method: Varimax with Kaiser Normalization.

KMO and Bartlett's Test

Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.		۰/۴۲۰
Bartlett's Test of Sphericity	**Approx. Chi-Square**	۷۶/۳۵۳
	df	۲۱
	Sig.	۰/۰۰۰

جدول تحلیل عامل تأییدی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

محدودیت‌های تحقیق

مشکل عمده در این تحقیق در محاسبات مربوط به روش تحلیل عاملی بوده است، زیرا فقدان تعداد کافی متغیرها (به علت فقدان اطلاعات) سبب عدم قطعیت نتایج حاصله شده و نتایج به صورت نسبی پذیرفته شد. همچنین به علت عدم دسترسی به آمار مربوط به برخی متغیرهای مناسب در شاخص سن در دورهٔ زمانی موردنظر از متغیرهای جایگزین استفاده شد که در صورت دسترسی به آن‌ها به نتایج مطلوب‌تری می‌توان دست یافت.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

نتایج محاسبات نشان می‌دهدکه در برنامهٔ سوم توسعه مقدار شاخص پایداری سن برابر با ۰/۱۵- است. منفی بودن این شاخص وضعیت نامطلوب توسعهٔ پایدار را در این دوره نشان می‌دهد. اما روند کلی شاخص رو به بهبود بوده و در دو سال آخر این برنامه شاخص مثبت گردیده است. این شاخص برای سه سال اول برنامهٔ چهارم توسعه به طور متوسط برابر با ۲۷/۰ است که سال اول (۸۴) بیش‌ترین مقدار را دارد اما در سال‌های ۸۵ و۸۶ این روند به کندی گراییده و با سطح مطلوب فاصلهٔ بیش‌تری می‌یابد. همچنین در بخش دیگر نتایج محاسبات نشان می‌دهد که در شرایط فعلی عامل اقتصادی- اجتماعی مؤثرترین عامل جهت دستیابی به سطح قابل قبولی از توسعهٔ پایدار در کشور ما که در ردهٔ کشورهای در حال توسعه قراردارد می‌باشد و مسائل فرهنگی، اجتماعی در درجه دوم اهمیت قراردارند. متغیرهایی که بیش‌ترین سهم را در عامل اقتصادی- اجتماعی دارند شامل مصرف نهایی خصوصی و در آمد سرانه نشان‌گر وضعیت قدرت خرید هستند بنابراین بیش‌ترین تلاش برای گام نهادن در مسیر توسعهٔ پایدار که به تعبیر سن عبارت از افزایش توانمندی‌ها و ارتقاء کیفیت زندگی است این است که شرایط برای بهبود وضعیت مصرف وافزایش درآمد سرانه مهیا گردد تا قدرت خرید جامعه افزایش یابد، و همچنین در رابطه با سطح اشتغال که دومین سهم را در رشد عامل اقتصادی- اجتماعی در توسعه داراست بایستی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

زمینه‌های فرصت شغلی ایجاد گردد تا ضمن کاهش بیکاری فرصت درآمدزایی افراد و بالا بردن قدرت خرید آن‌ها فراهم گردد. این امر مستلزم جلب مشارکت همگانی از طریق گسترش آزادی‌های اقتصادی و اجتماعی می‌باشد که چهارمین متغیر مؤثر بر عامل اقتصادی- اجتماعی در امر توسعه است. مشارکت در تصمیم گیری‌ها وحفظ محیط زیست و امر بهداشت از دیگر متغیرهای مؤثر بر عامل اقتصادی- اجتماعی در امر توسعه می‌باشند که توجه ویژه و تلاش برای ارتقاء آن‌ها موجب افزایش امید به زندگی واعتماد به نفس و بالا بردن توانمندی افراد جهت انجام فعالیت‌های اقتصادی و بهبود کیفیت زندگی آن‌ها می‌گردد. بهره برداری صحیح از منابع طبیعی وعدم اتلاف آن‌ها موجبات حفاظت از محیط زیست، ارتقاء سلامت، بهره‌وری اقتصادی و برخورداری نسل فعلی و نسل آینده از دست‌آوردهای حاصل از این منابع را فراهم می‌آورد. بعد از ارتقاء این عناصر و قرار گرفتن جامعه در سطح قابل قبولی از توسعهٔ اقتصادی، متغیرهایی همچون توزیع درآمد و امور اجتماعی و فرهنگی اهمیت بیش‌تری یافته و بهبود آن‌ها در افزایش توانمندی‌های افراد جامعه برای دستیابی به سطح بالای کیفیت زندگی که هدف توسعهٔ پایدار از دیدگاه سن است و سازمان‌های بین المللی نیز برآن تأکید دارند، گام بعدی در امر سیاست گذاری برنامه‌های توسعه می‌باشد. این تحقیق گامی است در جدی نمایاندن امر توسعهٔ پایدار و توجه به نقش نگرش و اندیشه در آن و لزوم محور قراردادن آن در برنامه‌های توسعه و شناسایی عوامل مؤثرتر در این زمینه. قطعاً ادامهٔ تحقیقات در این زمینه امکان شناسایی دقیق‌تر این عوامل و سهم آن‌ها در توسعه را فراهم آورده و با جلب نظر دست اندرکاران برنامه ریزی‌های توسعه، شفافیت و سرعت لازم را در روند توسعه ایجاد نموده وامکان تحقق توسعهٔ پایدار را فراهم خواهند ساخت.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

منابع و مآخذ References

- استوارت میل، جان (۱۳۶۳)، **رسالهٔ درباره آزادی**، ترجمه جواد شیخ الاسلامی، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم.
- برانت، ویلی(۱۳۶۴)، **برنامه‌ای برای بقا، گزارش کمیسیون برانت لند**، شمال وجنوب ۱۹۸۷، ترجمه هرمز همایون پور، انتشارات آگاه.
- توفیق، فیروز(۱۳۷۲)، **تحلیل عاملی و تلفیق شاخص‌های منطقه‌ای**، نشریه آبادی، سال سوم، شماره دهم ص۱۵-۱۲.
- خلعتبری، فیروزه(۱۳۷۹)، پیوند ارزش پول ملی با آزادی، عدالت و رفاه اجتماعی، **فصلنامه تامین اجتماعی**، سال دوم، شماره دوم
- خلعتبری، فیروزه(۱۳۷۹)، بهره برداری بهینه از منابع نفتی در راستای توسعه پایدار، **فصلنامه تامین اجتماعی**، سال دوم، شماره سوم، ۸۱۸-۷۹۱.
- راولز، جان(۱۳۸۵)، **عدالت به مثابه انصاف**، ترجمه عرفان ثابتی، انتشارات ققنوس.
- رزاقی، ابراهیم(۱۳۶۷)، **اقتصاد ایران**، نشر نی.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۳)، **برنامه پنجم عمرانی کشور ۱۳۵۶-۱۳۵۲**، سازمان برنامه و بودجه.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۲)، **پیوست لایحه برنامه دوم توسعه اقتصادی واجتماعی**، سازمان برنامه و بودجه
- سازمان برنامه و بودجه(۱۳۷۸)، **سند برنامه سوم توسعه اقتصادی و اجتماعی**، پیوست شماره ۲ لایحه برنامه، جلد اول
- سازمان برنامه وبودجه (۱۳۷۸)، **اولین گزارش ملی توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران**، تهران، سازمان برنامه و بودجه
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی(۱۳۸۳)، **سند برنامه چهارم توسعه اقتصادی و اجتماعی**
- سازمان مدیریت وبرنامه ریزی(۱۳۸۳)، **توسعه پایدار در جهان در حال تحول**، بانک جهانی ۲۰۰۶.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

منابع و مآخذ References

- سن، آمارتیاکومار(۱۳۸۵)، **توسعه یعنی آزادی**، ترجمه محمد سعید نوری نائینی، تهران، نشر نی، چاپ دوم
- عظیمی، حسین(۱۳۷۸)، **ایران امروز در آینده**، مباحث توسعه، تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.
- عظیمی، میکائیل(۱۳۸۴)، **تامین اجتماعی در آستانه برنامه چهارم**، مجموع مقالات همایش چالش‌ها و چشم اندازهای توسعه ایران، موسسه آموزش ومدیریت برنامه‌ریزی، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- کهن، گوئل(۱۳۷۶)، **شاخص‌شناسی در توسعه پایدار**، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
- Atkinson , G. ,et al. (1997) **Measuring Sustainable Development**. Edward Elgar.
- chiappearo martinetti enrica(2000), **a multimensional assessment of well being based on sen's functioning approach, Italy**, available at: www. sciencedirect. com (sep,2009)
- Distaso, Alba(2007) **well being and/ or quality of life in EU countries Through multimensional index of sustainability**, Italy, available at: www. sciencedirect. com (sep. 2009)
- Rawls, John(2000) **A Theory of Justice**, Harvard university, third printing
- Sen, A. K. (1999), **Development and Freedom**. Oxford University press, Oxford.
- Sen, A. K., Anand, S. (1994), **Human Development Index; Methodology and Measurement**. Occational paper , vol. 12 Human Development Report Office , New York.
- Stockammer , E. , et al. (1997) , **The Index of Sustainable Economic Welfare (ISEW) as an alternative to GDP measuring economic welfare**. The results of the Austrian (revised) ISEW calculation 1955-1992. Ecological Economics 21(1), 19-34.
- Smith Adam (1776), **wealth of nations**, volume 2, book5, chapter 2, pp. 69-471.
- UNDP(1990), **Human development report**, oxford, oxford university press.
- UNDP (1997), development right , world labour report.
- UNDP (1997), Gov. **for saustainable human development**, A UNDP policy document.
- UNDP (2003), **sustainable development in a dynamic world**.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-23]